

فصلنامه محیط راهبردی

سال پنجم، شماره ۱۴، بهار ۱۴۰۰

مقاله پژوهشی، صفحه ۹ تا ۳۴

واکاوی تأثیر تنش در روابط خارجی ایران و عربستان بر سیاست نفتی دو کشور

حسین تاج‌آبادی^۱، حسین نورعلی^۲ و علی نورعلی^۳

پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۱۱/۱۳

دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۰۹/۰۴

چکیده

ایران و عربستان از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان و صادرکنندگان نفت در خاورمیانه محسوب می‌شوند. با وجود مشارکت و همکاری دو کشور در سازمان اوپک در طول چند دهه اخیر، شواهد فراوانی از تقابل سیاست نفتی دو کشور تحت تأثیر تنش‌ها در روابط خارجی میان آن‌ها مشاهده شده است. با تحولاتی که در منطقه به‌ویژه پس از سقوط صدام در عراق رقم خورد، شرایط تقابلی سیاست نفتی دو کشور تشدید شد. در همین راستا مقاله حاضر تلاش کرده سرایت تنش روابط خارجی ایران و عربستان به سیاست نفتی دو کشور را واکاوی نماید. سؤال اصلی تحقیق این است که روابط خارجی ایران و عربستان چه تأثیری بر سیاست نفتی دو کشور داشته است؟ فرضیه‌ای که مورد آزمون قرار گرفته این است که تنش در سیاست نفتی ایران و عربستان در سال‌های ۱۳۹۷-۱۳۸۴ به سبب افزایش تنش و تقابل میان دو کشور در منطقه و احساس ضعف عربستان در رقابت با ایران بوده است. روش تحقیق مقاله تبیینی است. طبق یافته‌های این پژوهش، سرایت سیاست از مسائل خارجی به مسائل انرژی تنها زمانی قابل تصور است که کشوری که در رقابت‌های منطقه‌ای احساس تهدید می‌کند از ظرفیت نفتی بالایی برخوردار باشد که عربستان این‌گونه است؛ زیرا که عربستان از نظر ظرفیت تولید و صادرات و همچنین تأثیرگذاری بر اوپک، توانایی‌اش بسیار بالاتر از ایران است و بر اساس این یافته‌ها به مسئولان سیاست خارجی کشور پیشنهاد شده که در تنظیم روابط خارجی و سیاست منطقه‌ای کشور در ارتباط با عربستان، همواره احتمال توسل عربستان به جنگ نفتی علیه کشور را در نظر داشته باشند.

کلیدواژه‌ها: عربستان سعودی، جمهوری اسلامی ایران، سیاست نفتی، سیاست خارجی، خلیج فارس، فریز نفتی، دیپلماسی انرژی.

۱. دانشیار و عضو هیئت‌علمی دانشگاه صنعتی مالک اشتر (Ht171819@gmail.com)

۲. دانشجوی ارشد روابط بین‌الملل گرایش دیپلماسی کنترل تسلیحات دانشگاه صنعتی مالک اشتر (H.khosravi1371@gmail.com)

۳. کارشناس ارشد روابط بین‌الملل از دانشگاه خوارزمی (S.khosravi71@gmail.com)

مقدمه

دو کشور ایران و عربستان از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان و صادرکنندگان نفت در خاورمیانه محسوب می‌شوند. با وجود مشارکت و همکاری دو کشور در سازمان اوپک در طول چند دهه اخیر، شواهد فراوانی از تقابل سیاست نفتی دو کشور مشاهده شده است، از اوایل دهه ۵۰ دو کشور در زمینه سیاست‌های تولید، قیمت‌گذاری و اهداف سازمان اوپک با یکدیگر اختلافات شدید پیدا کردند. در عین حال دوره‌هایی از همکاری میان دو کشور نیز در این دوره مشاهده می‌شود که برای مثال می‌توان به نزدیک شدن سیاست‌های نفتی دو کشور در سال ۱۳۵۶؛ یعنی یک سال پیش از پیروزی انقلاب اسلامی ایران اشاره کرد. در دوره پس از انقلاب نیز افت و خیزهای فراوانی در روابط و سیاست نفتی دو کشور ایران و عربستان قابل مشاهده است. شاهد آنکه در ده‌ساله نخست پس از پیروزی انقلاب، به‌طور عمده سیاست‌های نفتی دو کشور در تقابل با یکدیگر قرار داشت و بروز جنگ میان ایران و عراق بر دامنه تقابل‌ها در این زمینه افزود؛ اما پس از پایان جنگ، زمینه‌های بیشتری برای همکاری و مشارکت دو کشور در سیاست نفتی و در قالب سازمان اوپک پدید آمد.

با روی کار آمدن آقای خاتمی، تأثیر دیپلماسی انرژی بر الگوی رقابت‌های منطقه‌ای ایران و عربستان نمود عینی پیدا کرد، بیانیه مشترکی که در پایان سفر آقای خاتمی به عربستان منتشر گردید، نشان داد که دو کشور در بسیاری از موضوعات در چهارچوب روابط دوجانبه با یکدیگر اتفاق نظر دارند (برزگر، ۱۳۸۰: ۹۰).

در عین حال این دوره همکاری نیز همواره در یک سطح نبود. با تحولاتی که در منطقه به‌ویژه پس از سقوط صدام در عراق و روی کار آمدن دولت احمدی‌نژاد در ایران رقم خورد، شرایط تقابلی سیاست نفتی دو کشور نیز تقویت گردید.

با روی کار آمدن دولت احمدی‌نژاد به مرور تنش‌های دوجانبه به اوج خود رسید. در این زمان قیمت نفت رو به افزایش گذاشت و هر بشکه ۱۲۰ دلار در بازارهای نفت به فروش می‌رسید که در چند دهه اخیر بی‌سابقه بود.

ولی با روی کار آمدن دولت روحانی، عبدالله بن عبدالعزیز پادشاه وقت عربستان سعودی از اولین رهبران سیاسی بود که انتخاب روحانی را تبریک گفت و روحانی در جواب ابراز امیدواری کرد که ایران و عربستان با کمک یکدیگر بتوانند ثبات را به منطقه خاورمیانه بازگردانند؛ با این حال در روزهایی که مذاکرات ژنو ۲ و ژنو ۳ در حال پیگیری بود، برخی مقامات دولتی و سرشناس عربستانی نارضایتی خود را از امضای این توافق‌نامه ابراز کردند، هرچند موضع رسمی عربستان در آن زمان حمایت (ظاهری) از توافق ژنو بود و در بیانیه‌ای که اخیراً پس از خروج آمریکا از برجام منتشر کرده با اعلام حمایت از این اقدام عنوان شده که دلیل حمایت قبلی، امید به ممانعت از انتشار سلاح کشتار دسته‌جمعی در خاورمیانه و جهان در این توافق بود. در مجموع عربستان از ناراضیان اصلی توافق برجام بوده است از جمله دلایل این نارضایتی، نزدیکی ایران و آمریکا و نگرانی از گسترش نفوذ محور مقاومت در منطقه خاورمیانه در سایه سکوت آمریکا در زمان ایجاد رابطه با ایران بوده است. از جمله دیگر اختلافات با عربستان در دوران روحانی، منازعه در عراق، سوریه و یمن، تجاوز جنسی پلیس جده به دو نوجوان ایرانی، لغو سفر عمره، وقایع حج ۱۳۹۴، حمله به سفارت عربستان در تهران و در نهایت قطع شدن کامل روابط دیپلماتیک بین دو کشور بود.

شرح و بیان مسئله پژوهشی

کشورهای ایران و عربستان که دو قدرت منطقه‌ای در منطقه غرب آسیا محسوب می‌شوند، جزو نفت‌خیزترین مناطق جهان هستند. با وجود ظرفیت‌ها برای همکاری‌های منطقه‌ای و ارائه راهکارهایی برای تثبیت قیمت نفت در این دو کشور، سیاست نفتی این دو کشور همواره تحت تأثیر تنش‌های سیاسی آن‌ها بوده که همین امر باعث افت شدید قیمت نفت در دوره‌های مختلف بوده است، اگر ایران و عربستان بتوانند با تنش‌زدایی از سیاست خارجی خود، تعامل بیشتری با همدیگر در سیاست خارجی خود داشته باشند، علاوه بر جلوگیری از صرف هزینه‌های سنگین دفاعی و تسلیحاتی که

سود آن به جیب آمریکا و روسیه می‌رود و ثبات و امنیت منطقه‌ای در غرب آسیا، ادامه؟ می‌توانند در چهارچوب سازمان اوپک و پتانسیل‌های آن، قیمت نفت را در حد موجهی بالا نگه دارند و هم اینکه از تنش‌های منطقه‌ای و رقابت‌های تسلیحاتی که باعث هدر رفتن دلارهای نفتی می‌شود جلوگیری نمایند. متأسفانه کشور عربستان که کاملاً در راستای سیاست‌های آمریکا قدم برمی‌دارد، در طول سال‌های اخیر نشان داده که هیچ تمایلی برای بهبود روابط و افزایش همکاری‌ها با ایران نداشته است؛ هرچند اقدامات برخی تندروهای ایران در قضیه آتش زدن سفارت عربستان هم در آتش این تنش دمیده اما جمهوری اسلامی با محکومیت این اقدامات، موضع خود را مشخص نمود، با این حال عربستان با اقدامات خود نشان داده بود که قصد ندارد در روابط سیاسی با ایران بهبودی ایجاد شود. در این مقاله نگارنده قصد دارد با بررسی تأثیر تقابل سیاست خارجی منطقه‌ای دو کشور بر رقابت‌های نفتی آن‌ها در اوپک، تلاش عربستان برای جلوگیری از دستیابی ایران به توافق هسته‌ای و همچنین بررسی سیاست عربستان در رابطه با تحریم‌های فروش نفت ایران، به واکاوی تأثیر سیاست خارجی ایران و عربستان بر سیاست نفتی دو کشور پردازد.

ضرورت و اهمیت تحقیق

تردیدی نیست که در کشورهای صادرکننده نفت، سیاست نفتی و درآمدهای حاصل از صدور نفت، متغیر تأثیرگذار عمده‌ای هم در عرصه سیاست داخلی و هم در عرصه سیاست منطقه‌ای به حساب می‌آید. اهمیت تحقیق حاضر در این است که پژوهشگر با استفاده از رویکرد واقع‌گرایی به تجزیه و تحلیل روابط سیاسی - اقتصادی و به‌ویژه تنش‌های ایجادشده در حوزه انرژی و نفت بین ایران و عربستان می‌پردازد و نشان می‌دهد این رقابت‌ها بر اساس چه انگیزه‌هایی شکل گرفته و چه پیامدهایی در برداشته است.

اهداف تحقیق

۱. اهداف کلی

تبیین و واکاوی تأثیر تنش در روابط خارجی ایران و عربستان بر سیاست نفتی دو کشور؛

۲. اهداف اختصاصی

تبیین تأثیر تقابل سیاست خارجی منطقه‌ای دو کشور بر رقابت‌های نفتی آن‌ها در اوپک
بررسی چگونگی تلاش‌های عربستان برای جلوگیری از دستیابی ایران به توافق هسته‌ای
بررسی سیاست عربستان در رابطه با تحریم‌های فروش نفت ایران
بررسی نحوه فروش نفت توسط عربستان به مشتریان ایران در زمان تحریم نفتی ایران

سؤالات یا فرضیه پژوهش

سؤال اصلی

تنش در روابط خارجی ایران و عربستان چه تأثیری بر سیاست نفتی دو کشور داشته است؟

سؤالات فرعی

۱. تقابل سیاست خارجی منطقه‌ای دو کشور چه تأثیری بر رقابت‌های نفتی آن‌ها در اوپک گذاشته است؟
۲. عربستان چرا و چگونه تلاش نموده از دستیابی ایران به توافق هسته‌ای جلوگیری نماید؟
۳. سیاست عربستان در رابطه با تحریم‌های فروش نفت ایران چه بوده است؟
۴. عربستان از چه راه‌هایی به مشتریان ایران در زمان تحریم نفتی ایران، نفت به فروش می‌رسانده است؟

فرضیه

تنش در سیاست نفتی ایران و عربستان در سال‌های ۱۳۹۷-۱۳۸۴ تابعی از ماهیت تقابلی سیاست خارجی دو کشور در سطح منطقه و احساس ضعف عربستان در رقابت با ایران بوده است.

متغیرها

در این تحقیق روابط علت و معلولی به شرح زیر میان متغیرها برقرار شده است:

۱. متغیر مستقل: سیاست خارجی ایران و عربستان
۲. متغیر میانجی: احساس ضعف عربستان در رقابت منطقه‌ای با ایران
۳. متغیر وابسته: سیاست نفتی ایران و عربستان

روش تحقیق

روش تحقیق حاضر تبیینی است. روش تجزیه و تحلیل داده‌ها در تحقیق کیفی است که در آن رابطه علت و معلولی میان سیاست نفتی ایران و عربستان و سیاست خارجی منطقه‌ای دو کشور مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد.

روش گردآوری داده‌ها

روش گردآوری داده‌ها در این تحقیق کتابخانه‌ای و اسنادی است و با بهره‌گیری از فیش- برداری بوده است.

چهارچوب نظری تحقیق

در کشورهای نفت خیز نوعی رابطه تعاملی بین سیاست خارجی و سیاست نفتی وجود دارد، به این ترتیب که سیاست‌هایی که در روابط خارجی این کشورها گرفته می‌شود به نوعی با نفت و سیاست نفتی گره خورده است. نفت و سیاست‌های نفتی باعث تحرک

کشورهای نفت‌خیز در عرصه سیاست خارجی می‌شود، این‌گونه که با استفاده از این ماده گران‌بها و افزایش قیمت آن، چه در منطقه و چه در سطح جهانی باعث افزایش سطح بازیگری و همچنین نقش‌آفرینی این کشورها می‌شود.

کشورهای نفت‌خیز سعی می‌کنند در روابط خارجی خود با سایر کشورها، به‌نوعی از سیاست‌های نفتی بهره ببرند و به‌نوعی تعاملاتی بین این دو برقرار کنند. سیاست نفتی این کشورها در کانون سیاست خارجی‌شان قرار دارد و به عبارت دیگر سیاست‌های نفتی عنصر اصلی سیاست خارجی‌شان است و کمتر اقدامی در سیاست خارجی و دیپلماسی‌شان بدون توجه به سیاست‌های انرژی شکل می‌گیرد.

توجه به منابع انرژی اگرچه در اقتصاد جهانی و سیاست بین‌الملل از دیرباز مورد توجه بوده، اما بررسی و تحلیل آن در رشته روابط بین‌الملل قدمت چندانی ندارد. از میان پارادایم‌های موجود در روابط بین‌الملل، واقع‌گرایی به دلیل تأکیدی که بر منابع و عناصر مادی در نظریه‌پردازی و تحلیل سیاست بین‌الملل دارد، از شانس بیشتری برای بررسی نقش و جایگاه انرژی برخوردار است؛ اما از بین نظریه‌های موجود در واقع‌گرایی در مورد انرژی، واقع‌گرایی نئوکلاسیک به دلیل توجه هم‌زمان به متغیرهای سطح نظام بین‌الملل و سطح داخلی، فضای بیشتری برای بحث به وجود می‌آورد.

واقع‌گرایی نئوکلاسیک با تأکید بر نقش برداشت رهبران، روابط بین دولت و اجتماع و تعاریف متفاوت منافع ملی، ضمن اذعان به جایگاه منابع انرژی به‌عنوان بخشی از قدرت ملی کشور، نقش رهبران و نخبگان دولت‌ها و نیز نوع رابطه بین دولت و بازار در بخش انرژی را به‌عنوان متغیرهای مهم در نظریه‌پردازی لحاظ می‌کند. به این ترتیب واقع‌گرایی نئوکلاسیک قادر است علاوه بر تبیین سیاست خارجی واردکنندگان، انتقال‌کنندگان و صادرکنندگان انرژی، تفاوت جهت‌گیری در بین هریک از این سه دسته را توضیح دهد. همچنین این نظریه قادر است تفاوت رفتار سیاست خارجی یک دولت را در مقاطع زمانی مختلف در بخش انرژی توضیح دهد و به این ترتیب در عین توجه به وجه مفید بودن در نظریه‌پردازی، دقت تحلیلی را فدای توجه به صرفه‌جویی در ارائه متغیرها در نظریه‌پردازی نسازد.

در کل باید به این قضیه پی برد که در کشورهای نفت‌خیز، نفت و سیاست‌های نفتی، شاخص بسیار مهمی را در سیاست خارجی تشکیل می‌دهد و باعث می‌شود که نفت جزئی از سیاست خارجی شود و هردو برهم تأثیر بگذارند و از هم تأثیر بپذیرند و به‌نوعی رابطه تعاملی باهم داشته باشند؛ زیرا که وقتی کشوری بخش مهمی از درآمدهایش از طریق نفت تأمین می‌شود و اقتصادش متکی به نفت باشد، سعی می‌کند که این شاخص مهم و اساسی را هم به معیارها و اهداف و اصول سیاست خارجی‌اش وارد کند و از این ماده گران‌بها نهایت استفاده را بکند.

واقع‌گرایی نئوکلاسیک و نقش منابع انرژی

واقع‌گرایی نئوکلاسیک از ترکیب واقع‌گرایی کلاسیک و نوواقع‌گرایی تشکیل شده است، به این ترتیب که متغیرهای داخلی را به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل تشکیل‌دهنده سیاست خارجی دولت‌ها معرفی می‌نماید و به‌عنوان نظریه‌ای که امروزه از سوی طرفداران واقع‌گرایی دنبال می‌گردد دیده می‌شود (elman and elman, 2003: 345-346). در این نظریه به نهادهای داخلی، ایدئولوژی و برداشت‌های نخبگان از تهدیدات به‌عنوان عامل تبیین‌کننده رفتار بین‌المللی دولت‌ها توجه می‌شود (lobell and others, 2009: 316-317).

در نظریه واقع‌گرایی نئوکلاسیک، نظام بین‌الملل هم‌پای ساختار داخلی کشورها، بر سیاست خارجی تأثیر دارد؛ بنابراین، با این توضیح، سیاست خارجی به‌عنوان یک متغیر وابسته تحت تأثیر قابلیت‌های نسبی قدرت یک کشور در سطح بین‌الملل و برداشت رهبران از این نسبت قدرت قرار دارد. در این راستا، رهبران از آزادی عمل لازم برای استفاده از منابع قدرت در جهت‌های ضروری برخوردارند (orban, 2008: 20-21).

در این نظریه، مهم‌ترین بازیگران در نظام بین‌الملل نه دولت‌ها بلکه رهبران دولت‌ها یا دولت‌مداران هستند، زیرا آن‌ها هستند که در معرض تحولات نظام بین‌الملل قرار دارند (zakaria, 1998: 35).

واقع‌گرایی نئوکلاسیک به این دلیل برای تحلیل نقش منابع انرژی در سیاست خارجی مفید است که این نظریه بر روی قدرت مادی کشور، اهمیت ساختارهای داخلی در

شکل‌گیری اهداف و جهت‌گیری‌های سیاست خارجی و نیز برداشت‌های رهبران از نظام بین‌الملل تأکید دارد. این ابعاد تحلیلی، فضای لازم جهت تبیین نقش‌های متفاوت منابع انرژی در سیاست خارجی دولت‌های مختلف را ایجاد می‌نماید. همچنین این نظریه، تغییر جایگاه این منابع در سیاست خارجی در دوره‌های زمانی مختلف را بدون توجه به اینکه آیا از میزان این منابع کاسته شده یا خیر، می‌تواند توضیح دهد. علاوه بر این، نظریه واقع‌گرایی نئوکلاسیک قادر به تبیین جایگاه منابع انرژی در کشورهای واردکننده و مصرف‌کننده انرژی است؛ همچنین این نظریه می‌تواند رهیافت کاملاً آسانی برای توضیح سیاست خارجی، بدون آنکه وارد جزئیات سیاست داخلی گردد، ارائه نماید (Baylis and smith, 2005: 171). به‌طور خلاصه، می‌توان گفت واقع‌گرایی نئوکلاسیک با ورود عناصر داخلی به تحلیل، ضمن حفظ عوامل سیستمیک، برای تبیین جایگاه منابع انرژی و پیش‌بینی رفتار دولت‌ها در این حوزه، از توان بیشتری نسبت به سایر نظریه‌ها برخوردار است و از آنجا که دقت در تحلیل سیاست خارجی را فدای مفید بودن صرف در جنبه پیش‌بینی تحلیل نمی‌کند، قادر به تبیین بهتری از رفتار کشورهای مختلف در بازار جهانی انرژی است.

پیشینه پیوند سیاست خارجی و نفت در ایران و عربستان (۱۳۸۴-۱۳۵۰)

یکی از عناصر و عوامل مهم تأثیرگذار بر سیاست خارجی ایران منابع کمیاب نفت و گاز است. بعد از پیدایی نفت، این متغیر آهسته؛ اما پیوسته به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های مهم تأثیرگذار بر اقتصاد، سیاست داخلی و سیاست خارجی ایران است. در تاریخ معاصر سیاسی ایران، نفت و سیاست خارجی دو مقوله به‌هم پیوسته بوده‌اند که در کنشی متقابل و ساختاری، تأثیر انکارناپذیری را در امنیت ملی کشور گذاشته‌اند.

ایران و همین‌طور عربستان دوره‌های مختلف سیاسی و نفتی را در این مدت (۱۳۸۴ - ۱۳۵۰) گذرانده‌اند. در دوران شاه، ایران از متحدان بزرگ سیاسی قدرت هژمون منطقه (آمریکا) بود و در این زمینه با آمریکا همگرایی داشت و در مقابل با حمایت آمریکا به‌عنوان ژاندارم منطقه شناخته می‌شد و قدرت بلامنازع سیاسی بود ولی با پیروزی انقلاب

اسلامی ایران، این سیاست کاملاً متفاوت شد و هم سیاست نفتی و هم سیاست خارجی ایران در مقابل این قدرت هژمون قرار گرفت و حالتی واگرایی به خود گرفت، ایران در این مدت برای بازیابی قدرت سیاسی و تأثیرگذاری بر کشورهای همجوار، از سیاست نفتی تولید کم و افزایش قیمت نفت حمایت کرد، چون که اقتصاد ایران متکی به نفت بود. در مقابل ایران، عربستان وجود دارد که روی دیگر ورق این تحقیق است. عربستان نیز مانند ایران که یک کشور نفتی است، بین سیاست خارجی و نفتی اش تعامل قوی وجود دارد. عربستان برای تعامل قوی با متحدانش از جمله آمریکا، معمولاً سیاست‌های درخواستی آمریکا را چه در سیاست خارجی و چه در سیاست نفتی دنبال می‌کند. عربستان برای ضربه زدن به رقبای خود در اوپک معمولاً سیاست افزایش تولید نفت و کاهش قیمت آن را دنبال کرده است.

سرایت تنش روابط خارجی ایران و عربستان به سیاست نفتی دو کشور

دو کشور ایران و عربستان به‌عنوان بیشترین دارندگان ذخایر نفت و گاز جهان و از مهم‌ترین صادرکنندگان این محصول استراتژیک و حیاتی در جهان و از اعضای مهم و تأثیرگذار اوپک، پیوسته در مورد قیمت و سطح تولید این ماده گران‌بها باهم اختلافاتی داشته‌اند و در این میان، عربستان از طلای سیاه همواره به‌عنوان حربه و ابزاری برای ضربه زدن به اقتصاد کشورهای صادرکننده متخاصم با این کشور، به‌خصوص ایران استفاده نموده و با کاهش خودسرانه قیمت نفت در بازارهای جهانی و افزایش سطح تولید خود سعی در فلج نمودن اقتصاد جمهوری اسلامی نموده است.

عربستان از این جهت افزایش نفت ایران را به ضرر خود می‌بیند که می‌پندارد ایران از پول فروش نفت به قدرت خود در منطقه خواهد افزود. در واقع، در سال‌های آینده میلادی شاهد دور جدید و منحصربه‌فردی از دعوای نفتی بین دو کشور خواهیم بود. در این مقاله سعی شده است که در راستای آزمون فرضیه نشان داده شود که تقابل سیاست نفتی دو کشور متأثر از رقابت و تنش سیاست خارجی دو کشور در منطقه بوده است.

تأثیر سیاست‌های خارجی دو کشور بر سیاست‌های نفتی آنها

امروزه روابط خارجی کشورها از لایه‌های دیپلماسی در سطوح مختلف تشکیل می‌شود. با توجه به افزایش اهمیت نقش انرژی در تعاملات خارجی کشورهای مصرف‌کننده بزرگ و تولیدکنندگان عمده، دیپلماسی انرژی که یکی از لایه‌های اصلی در روابط خارجی این کشورها است از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است (واعظی، ۱۳۸۸: ۱۲۸).

از دهه ۱۹۷۰ تاکنون، استفاده عربستان از نفت خام به‌عنوان سلاحی در برابر رقیب خود ایران، بی‌سابقه نبوده است. نواف عبید در سال ۲۰۰۶ در مقاله‌ای در واشنگتن‌پست نوشت، اگر عربستان سعودی تولیدات نفت خام خود را افزایش و قیمت را تا ۵۰ درصد کاهش دهد، این مسئله برای ایران ویران‌کننده خواهد بود و توانایی ایران را در هدایت صدها هزار شبه‌نظامی شیعه در عراق و دیگر مناطق، کاهش خواهد داد.

دو سال بعد، در اوج بحران مالی و اقتصادی جهانی، عربستان سعودی برنامه خود را به اجرا گذاشت، عربستان سعودی عرضه نفت خام را در بازار افزایش داد و در دوره‌ای شش‌ماهه، بهای نفت از رکورد ۱۴۷ دلار در هر بشکه به بشکه‌ای ۳۳ دلار کاهش یافت. این مسئله سبب شد تا آقای احمدی‌نژاد رئیس‌جمهور پیشین ایران در سال ۲۰۰۹ و در سال انتخابات با کاهش ناگهانی درآمد نفتی درگیر شود. نشانه‌های حاکی از برنامه جدید عربستان سعودی برای افزایش عرضه نفت خام در بازار، در سال ۲۰۱۱ نمایان شد، شاهزاده ترکی الفیصل در پایگاه عملیاتی ناتو به ایران هشدار داد که از ناآرامی‌های منطقه ناشی از بهار عربی سوءاستفاده نکند. در اوایل ماه دسامبر، تنها چند ماه پس از اقدام عربستان سعودی در راستای لبریز کردن بازار از نفت خام، نواف عبید در مقاله‌ای در رویترز نوشت، تصمیم دولت کشورش برای کاهش بهای نفت، تأثیر شدیدی بر شرایط سیاسی در منطقه خاورمیانه خواهد داشت. حسن روحانی رئیس‌جمهور ایران بدون اشاره مستقیم از اقدامات خیانت‌آمیز تولیدکننده بزرگ نفت که رفتاری بانگیزه سیاسی بود، انتقاد و تصریح کرد این رفتار توطئه‌ای علیه منافع منطقه بود (اسکات کوپر، ۱۳۹۳).

توسعه روابط نفتی ایران و عربستان سعودی می‌تواند هم ضریب امنیت منطقه‌ای عربستان و هم حتی ضریب امنیت داخلی آن را ارتقا دهد و فرصت‌ها و بهانه‌های ایجاد ناامنی را از قدرت‌های خارج از منطقه بگیرد. همچنین درک عربستان سعودی از شرایط جدید در حال وقوع، می‌تواند زمینه همکاری بیشتر دو کشور در طراحی سیاست‌های مشترک نفتی و انرژی را فراهم کند و بر انسجام بیشتر سازمان اوپک تأثیر بگذارد. عربستان سعودی باید درک کند که همکاری این کشور با تحریم‌های نفتی غرب علیه ایران، گرچه در کوتاه‌مدت می‌تواند از طریق فروش قدری نفت بیشتر به ظاهر به نفع این کشور باشد اما همگامی با سیاست‌های نفتی آمریکا و فاصله‌گیری بیشتر از مهم‌ترین قدرت منطقه، در میان‌مدت و بلندمدت به نفع این کشور نخواهد بود و قدرت‌های خارج از منطقه، تنها تا مرز منافع خود به امنیت و منافع منطقه‌ای اهمیت خواهند داد (حستاش، ۱۳۹۲).

بهای نفت بار دیگر از بشکه‌ای ۱۱۵ دلار در ماه اوت سال ۲۰۱۳ به بشکه‌ای ۶۰ دلار در نیمه ماه دسامبر سال ۲۰۱۴ رسید.

تأثیر تقابل سیاست خارجی منطقه‌ای دو کشور بر رقابت‌های نفتی آن‌ها در اوپک

اختلاف نظرهای گسترده میان اعضا از یک‌سو و تلاش برای تصاحب سهم بیشتر به بهای نابودی کارتل از سوی دیگر، آینده اوپک را در هاله‌ای از ابهام قرار داده است. رقابت‌های دیرپای دو کشور ایران و عربستان نیز که با بالا گرفتن ابعاد جنگ داخلی سوریه و یمن وارد مرحله جدیدی شده، بر پیچیدگی اوضاع افزوده است.

به‌هرحال، بقای دولت‌های ایران و عربستان سعودی، وابستگی همه‌جانبه‌ای به تولید و فروش نفت دارد و رهبران ریاض تلاش نموده‌اند با محدود کردن دسترسی ایران به بازارهای طلای سیاه، این کشور را منزوی و نفوذ تهران را در خاورمیانه، محدود کنند. پس از تحریم بین‌المللی نفت ایران، رهبران ریاض تا حدود زیادی به خواسته‌های خویش نزدیک‌تر شدند؛ اما پس از برداشته شدن تحریم‌ها پس از برجام، راهبرد عربستان سعودی برای محدود کردن بازارهای صادراتی ایران، دشوارتر از گذشته شده است. لابی ریاض در

سال‌های گذشته، تلاش زیادی برای شکست توافق هسته‌ای غرب با ایران و افزایش حضور نظامی ایالات متحده در خاورمیانه انجام داد، اما او باما بیش از هر چیز، خواهان حل و فصل مشکلات این منطقه توسط رهبران آن بود.

از سال ۲۰۱۴ میلادی، رهبران صنعت نفت عربستان سعودی با زیر پا گذاشتن نظام سهمیه‌بندی اوپک، نفت ارزان خود را روانه بازار کردند. هرچند با اعلام عدم همراهی تهران با این راهبرد و تلاش آن برای افزایش تولید تا سطح پیش از تحریم‌ها، رهبران ریاض نیز از پذیرش این سیاست خودداری نمودند تا نشست دوم نیز به تاریخ بپیوندد. اما گویی رقابت‌های پنهانی تهران و ریاض، همچنان ادامه دارد. عربستان با دارا بودن تولید روزانه ۱۰ میلیون بشکه، همراه با داشتن دو میلیون بشکه ظرفیت تولید، در چهار سال اخیر بخش قابل توجهی از بازارهای سنتی صادرات طلای سیاه ایران را تصاحب کرده است.

در این میان، رهبران ریاض بیم آن دارند که افزایش درآمدهای نفتی ایران و لغو محدودیت‌های مالی و بانکی، به رشد کمک‌های نظامی و مالی تهران به جنگجویان شیعه حامی تهران و افزایش تأثیرگذاری آنان در رویدادهای خاورمیانه بینجامد (لیکنز، ۱۳۹۵). ایران سقف تولید خود را مقدار قبل از تحریم‌ها می‌داند، زیرا طی چند سال اخیر مجبور به کاهش تولیدات و صادرات شده و این تصمیم اختیاری و فنی نبوده است. در مقابل این نظر، عربستان اعلام می‌کند که میزان تولید نفت ایران همان مقداری است که در حال حاضر استخراج می‌شود و این محل اختلاف بین ایران و عربستان است (علایی، ۱۳۹۳).

جلوگیری از دستیابی ایران به توافق هسته‌ای

پرونده هسته‌ای ایران در طول ۱۳ سال اخیر، به یکی از مهم‌ترین موارد در معادلات خاورمیانه بدل شده است. این پرونده به مهم‌ترین پرونده سیاست خارجی ایران و هم‌زمان طولانی‌ترین پرونده پس از انقلاب اسلامی تبدیل شده است، اکنون حساسیت فزاینده‌ای نیز یافته است. این حساسیت از آنجا ناشی می‌شود که از اواخر سال ۲۰۱۱،

این پرونده به طور مستقیم به دلیل تحریم‌های شدید آمریکا و اتحادیه اروپا به اقتصاد ایران گره خورده است. تحریم‌های بانکی و نفتی که شدیدترین تحریم‌های اعمال شده علیه ایران در تاریخ معاصر این کشور بودند، باعث شدند تا مسئله هسته‌ای علاوه بر سیاست خارجی به یک مسئله مهم در سیاست داخلی و دیپلماسی عمومی کشور نیز تبدیل شود. در این میان ایالات متحده آمریکا، ایران و کشورهای حوزه خلیج فارس، بازیگرانی بودند که به طور مستقیم در معرض پیامدهای امنیتی پرونده هسته‌ای قرار داشتند.

در منطقه خاورمیانه، دولت‌هایی وجود دارند که به هیچ وجه تمایلی به حل مسئله هسته‌ای ایران ندارند. در رأس این دولت‌ها می‌توان به عربستان سعودی اشاره کرد. عربستان سعودی، ایران را مهم‌ترین رقیب منطقه‌ای خود می‌بیند و همواره تلاش کرده است تا در چند سال گذشته، ایران و متحدان آن نظیر سوریه و عراق را تضعیف کند.

در همین راستا، هم‌زمان با مذاکرات هسته‌ای بین ایران و گروه ۵ + ۱ غربی در لوزان سوئیس که از آن به عنوان مرحله نهایی یاد می‌شود، حمله عربستان سعودی به همراه ائتلافی از نه کشور به یمن اتفاق افتاد که در نوع خود معنادار و از منظر برخی تحلیل‌گران، گونه‌ای واکنش انفعالی از سوی جبهه آمریکایی - غربی به روند تحولات منطقه‌ای و تأثیرگذاری بر مذاکرات محسوب می‌شد.

با تحولات اخیر منطقه، به ویژه احتمال توافق نهایی در مذاکرات هسته‌ای و نیز پیروزی ایران در برخی از معادلات منطقه‌ای، سعودی‌ها احساس کردند که صحنه را به ایران واگذار کرده‌اند. از همین رو، به دنبال آن بودند که مانع پیشرفت جمهوری اسلامی ایران در مذاکرات هسته‌ای و نیز جلوگیری از تثبیت جایگاه ایران در منطقه شوند. از نظر مقامات سعودی، برداشته شدن تحریم‌های اقتصادی ایران در مرحله جدید و احتمال نقش آفرینی منطقه‌ای پررنگ و به ویژه گسترش حمایت آن از متحدین منطقه‌ای، خود می‌تواند روند تحولات در بیشتر بحران‌های منطقه‌ای و از جمله یمن را به زیان این کشور تغییر دهند.

یکی دیگر از دلایل مهم و اساسی مداخله نظامی ائتلاف به رهبری عربستان سعودی در منطقه، تلاش برای ایجاد تغییر در محاسبات امنیتی آمریکا و متحدانش با هدف برهم زدن توافق احتمالی با ۵ + ۱ بود (عالم، ۲۰۱۵: ۷).

عربستان چون به شدت مخالف توافق هسته‌ای بین ایران و غرب است، تلاش کرده است تا با درگیرسازی ایران در پرونده جدید، وضعیت هسته‌ای را تحت تأثیر قرار دهد. در واقع، تحریک غرب برای تخریب مذاکره از سوی عربستان از انگیزه‌های ضمنی عربستان در ساماندهی حمله به یمن است (تافوری، ۱۳۹۴: ۵۳).

عربستان از ابتدا تلاش کرد تا با آغاز حمله به یمن، مذاکرات میان ایران و ۵ + ۱ را تحت الشعاع قرار دهد؛ اما قدرت یافتن جبهه داخلی یمن و موفقیت انصارالله و هم‌پیمانانش در پیشروی میدانی به سوی عدن، باب‌المندب و مرزهای یمن با عربستان سبب شد تا جنگ یمن به هدف مستقیم عربستان تبدیل شود (نجات، موسوی، صارمی، ۱۳۹۵: ۱۶۳ - ۱۶۲).

عربستان با تحت فشار قرار دادن قیمت‌های نفت، می‌تواند به چشم‌انداز آینده سرمایه‌گذاری در نفت‌های پرهزینه آسیب بزند که باعث خواهد شد سیاست استقلال انرژی در آمریکا به خطر افتد اما در عین حال این منفعت را برای آمریکا به همراه دارد که می‌تواند با محدود کردن منابع مالی ایران و روسیه، به کشورهای مذاکره‌کننده هسته‌ای که در مقابل ایران قرار دارند کمک کند تا فشار بیشتری بر ایران وارد کنند (بیک علی‌زاده، ۱۳۹۳: ۳۱).

عربستان در زمان مذاکرات هسته‌ای سعی کرد روند کاهش قیمت نفت را (که عمده‌ترین دلیل رکود حاکم بر اقتصاد جهانی و آینده مهم این اقتصاد را داشت) تشدید کند تا ایران که یک تولیدکننده عمده نفت است از موضع تضعیف‌شده‌تری وارد مذاکرات شود و متحد دیگر ایران؛ یعنی روسیه نیز قابلیت‌های دفاع تمام‌عیار از ایران را نداشته باشد.

عربستان اگرچه آغازکننده سقوط آزاد قیمت نفت نبوده اما به آن دامن زده است تا دو کشوری که بودجه آن‌ها به نفت وابسته است و در این مذاکرات عملاً در یک جبهه قرار داشتند، تضعیف شده و شرایط برای یک توافق خوب برای ایران از دست برود. عربستان از این طریق امیدوار بود که حتی در صورت حصول توافق، بخش عمده‌ای از تحریم‌های

ایران، نظیر تحریم‌های نفتی پابرجا بماند و ایران همچنان نتواند از ظرفیت‌های اقتصادی‌اش برای حضور پر قدرت در مسائل منطقه‌ای استفاده کند.

کاهش قیمت نفت آن قدر کشورهای عضو اوپک را تحت تأثیر قرار داده است که هیچ‌یک حاضر به کاهش تولید برای ایجاد شوک قیمتی به بازار نیستند، این در حالی است که برخلاف تصور وزیر وقت نفت ایران، یک‌صد و شصت و ششمین نشست اوپک بدون کاهش سقف تولید کاهش یافت.

عربستان همچنان به‌عنوان قدرت اول اوپک حاضر به کاهش سهم خود در بازار نشد و دیگر کشورهای تخطی‌کننده از تعهدات اوپک نیز حاضر نشدند سهم ایران و سایر کشورهای عضو را برگردانند. علاوه بر این، عربستان با صادرات نفت و دامن زدن بیشتر به کاهش قیمت نفت، سعی داشت این پیام را به آمریکا بدهد که برداشتن تحریم‌های نفتی ایران، حتی به کاهش بیشتر قیمت‌ها منجر می‌شود و این برای آمریکا چیزی جز مرگ نفت شیل نبود.

عربستان که در مذاکرات هسته‌ای و روابط دیپلماتی در پشت بازارها بود، سعی می‌کرد تا با پایین نگه داشتن قیمت نفت، بیشترین فشار ممکن را بر اقتصاد ایران وارد کند. همچنین برخی از کارشناسان و تحلیل‌گران سعی کردند تا این‌طور عنوان کنند که کلید افزایش قیمت نفت و حتی حل‌وفصل مسئله هسته‌ای ایران در دست عربستان است و اگر ایران بتواند به‌واسطه برخی از مقامات داخلی، روابط خود را با اعراب بهبود بخشد، گره از مشکلات باز خواهد شد (سایت تهران پرس، ۱۳۹۵).

دلایل بسیاری برای کاهش بی‌سابقه قیمت نفت ذکر شده، اما تقریباً همه کارشناسان حوزه انرژی، این موضوع را پذیرفته‌اند که علل سیاسی در به وجود آمدن بحران نفتی نقش به‌سزایی داشته است. تحرکات آمریکا برای تحت فشار قرار دادن روسیه و ایران و همراهی عربستان سعودی با ایالات متحده، از جمله علل به وجود آمدن بحران نفتی ذکر شده است.

در زمان مذاکرات هسته‌ای، هیلاری کلینتون در مرکز سابان در اندیشکده بروکینگز درباره کاهش قیمت نفت و ارتباط آن با مذاکرات هسته‌ای با ایران گفت: پایین آمدن قیمت نفت می‌تواند به ما برای دستیابی به موفقیت در مذاکرات هسته‌ای با ایران کمک کند.

پس از افت شدید قیمت نفت اوپک در بازارهای جهانی، سران اوپک در نشستی فوق‌العاده به دنبال کاهش تولید بودند تا بتوانند مانع این کاهش قیمت نفت شوند، اما مقاومت سرسختانه سعودی‌ها مانع آن شد که کاهش تولید به تصویب برسد. برخی‌ها این اقدام سعودی‌ها را یک جنگ نفتی تمام‌عیار علیه ایران و پرونده هسته‌ای می‌دانند که البته این نفت ارزان، هدیه عربستان به آمریکا بوده است.

با روی کار آمدن ترامپ جمهوری خواه، وی بارها برجام را مورد حمله قرار داده و سیاستمداران قبلی را متهم کرده که در مذاکره با تیم هسته‌ای ایران منافع آمریکا را تأمین نکرده‌اند. ترامپ که خواستار مذاکرات جدید و اضافه نمودن بندهایی از قبیل کنترل تسلیحات موشکی ایران است اخیراً از برجام خارج شد و اعلام کرد تحریم‌هایی که در چهارچوب این توافق لغو شده بودند را بار دیگر علیه تهران به اجرا می‌گذارد. این تصمیم با انتقاد اکثر دولت‌ها و مقامات دولتی مواجه شد و سایر کشورهای گروه ۵+۱ با صدور بیانیه‌هایی ضمن ابراز تأسف در قبال این خبر، پابندی خود را به برجام اعلام نمودند با این حال مشوقان اصلی خروج آمریکا از برجام رژیم صهیونیستی و عربستان بودند. عربستان با صدور بیانیه‌ای حمایت خود را از این اقدام آمریکا اعلام نمود و مدعی شد که ایران از طریق برداشتن تحریم‌ها به فعالیت‌های بی‌ثبات‌کننده خود در منطقه ادامه و موشک‌های بالستیک خود را گسترش داده و از گروهک‌های تروریستی در منطقه از جمله حزب‌الله و حوثی‌ها (انصارالله) که از سلاح‌های ایران برای هدف قرار دادن شهروندان یمنی و تعرض به کشتیرانی استفاده کردند، حمایت کرده است. در بخش دیگری از این بیانیه آمده است که عربستان در ابتدا به این دلیل از توافق هسته‌ای ایران حمایت کرد که قرار بود این توافق از انتشار سلاح کشتار دسته‌جمعی در خاورمیانه و جهان ممانعت کند. در این میان چیزی که مشهود است فرصت‌طلبی عربستان برای افزایش تولید نفت در فضای جدید می‌باشد.

یک روز پس از اعلام خروج ترامپ از برجام، یک مقام اوپک گفت، عربستان در حال رصد تأثیرپذیری بازار نفت از خروج آمریکا از برجام است و آماده جبران هرگونه کمبود احتمالی عرضه نفت می‌باشد، اما به‌تنهایی اقدام به پر کردن این خلأ نخواهد کرد و هرگونه

اقدامی در صورت نیاز، با هماهنگی تمام شرکای عضو و غیر عضو اوپک اتخاذ خواهد شد (دنیای اقتصاد، ۱۳۹۷).

سیاست همراهی عربستان با تحریم‌های فروش نفت ایران

چون صنعت نفت پایه‌ای‌ترین بخش اقتصاد ایران است، همیشه موضوعات مورد نظر در تحریم‌های اقتصادی علیه کشورمان نیز بوده است. از این حیث در آمریکا و تا حد زیادی در غرب و همچنین کشورهای عرب مثل عربستان، این اجماع شکل گرفته که نفت پاشنه آشیل اقتصاد ایران به حساب می‌آید (Clawson, 2007).

در ۲۳ ژانویه ۲۰۱۲ (۴ بهمن ۱۳۹۰)، اعضای اتحادیه اروپا پس از جلسات متعدد، اعلام کردند که دور جدید تحریم‌ها علیه صادرات نفت ایران را به تصویب رسانده و از ابتدای فوریه ۲۰۱۲ (اواسط بهمن‌ماه ۱۳۹۰)، حجم واردات نفت خام اروپا از ایران را به تدریج کاهش خواهند داد و تا پایان ماه ژوئن ۲۰۱۲، میزان واردات نفت اروپا از ایران را به صفر خواهند رساند (جعفری‌نژاد، مدآبادی، ۱۳۹۳: ۲۰۷).

دو ماه بعد (اوایل فروردین ۱۳۹۱)، باراک اوباما، رئیس‌جمهور آمریکا، قانون تحریم خرید نفت از ایران را به امضا رساند (کدخدازاده، ۱۳۹۱: ۲۹).

با اتخاذ سیاست تحریم نفتی غرب علیه ایران، یکی از کشورهایی که نقش مهم و تعیین‌کننده‌ای در ثبات بازار نفت پیدا می‌کند، عربستان سعودی است. کشوری که با تولید روزانه نزدیک به ۱۰ میلیون بشکه در روز به‌عنوان مهم‌ترین کشور صادرکننده نفت و از اعضای تعیین‌کننده اوپک به شمار می‌رود.

از نظر غرب، نقش عربستان سعودی در اعمال هرگونه تحریم نفتی علیه ایران بسیار مهم بوده و همکاری این کشور می‌تواند تبعات احتمالی ناشی از تحریم نفت ایران را به حداقل کاهش دهد. هرچند که مقامات رسمی عربستان سعودی اعلام کرده‌اند که قصد ندارند این منابع را جایگزین نفت ایران کنند، اما برای تأمین نیاز بازار در نتیجه اعمال تحریم‌ها علیه ایران آمادگی کامل دارند. سعودی‌ها ظاهراً آمادگی ضمنی خود را به غرب

اعلام کردند، اما غربی‌ها هنوز نگران این بودند که عربستان از ابتدا تا انتها با این سیاست غرب همراهی نکند. همین رویکرد عربستان موجب شده است که در سال ۱۳۹۱، شماری از مشتریان نفتی ایران مانند کره جنوبی و ژاپن از کاهش واردات نفت از ایران خبر بدهند (کرمی، ۱۳۹۱).

در این چند وقت اخیر و پس از شدت گرفتن موضوع تحریم صادرات نفت ایران از سوی آمریکا و اروپا، سیاست‌های نفتی عربستان در عرصه بازار جهانی نفت و اوپک شاهد تحولات مهمی بود و مجموع موضع‌گیری‌ها، تصمیمات و اقدامات عملی مقامات نفتی این کشور، وقوع اقداماتی علیه ایران بوده است.

در این میان مقامات نفتی عربستان که از ماه‌ها قبل به‌طور مداوم آمادگی خود را برای جایگزینی صادرات نفت ایران اعلام کرده بودند، شرایط را برای تحقق عملی خواسته‌های خود در افزایش فشارهای سیاسی و اقتصادی علیه ایران مناسب دیدند. در چنین شرایطی، اعلام تحریم نفتی ایران و پیش‌بینی کاهش خرید نفت از جمهوری اسلامی ایران، این فرصت را پیش‌روی مقامات نفتی عربستان قرار داد که با جلب مشتریان نفت ایران به‌ویژه در بازارهای آسیایی، همراهی خود با سیاست‌های تحریم‌کنندگان را نشان دهند. وزیر نفت عربستان در دیدارهای مختلف با مقامات اقتصادی کشورهای مصرف‌کننده از آمادگی کشورش برای جبران کمبود صادرات نفت ایران سخن گفت و به مشتریان نفت ایران به‌ویژه چین، هند، کره جنوبی و ژاپن اطمینان داد که در صورت اجرایی شدن تحریم‌های نفتی، بازار جهانی نفت با هیچ‌گونه کمبودی مواجه نخواهد شد (کدخدازاده، ۱۳۹۱: ۲۹).

عربستان مأمور شده است که به کشورهایی که از ایران نفت وارد می‌کنند، اطمینان دهد در صورت تحریم نفتی ایران، نفت آن‌ها را تأمین خواهد کرد. عربستان بایستی واقعیت‌های موجود در اوپک به‌خصوص قوانین و سقف تولید نفت آن را رعایت نموده و به آن احترام بگذارد و از سیاست‌های در پیش گرفته تقابلی با ایران در منطقه پرهیزد، چراکه ایران همواره تعامل پایدار را در روابط خود با همسایگان به‌عنوان یک اصل قلمداد می‌کند (کرمی، ۱۳۹۱).

سیاست فروش نفت عربستان به مشتریان ایران در زمان تحریم نفتی ایران

سیاست‌های انرژی عربستان در راستای سیاست کشورهای صنعتی جهانی است. نقش عربستان در بازارهای انرژی همانند گذشته به دلایل متعددی در آینده نیز نقشی حیاتی و تعیین‌کننده خواهد بود. خاورمیانه و به‌خصوص عربستان همچنان منبع سرشاری از ارزان‌ترین انرژی فسیلی جهان است. انرژی فسیلی کماکان یکی از منابع اصلی تأمین انرژی جهان در آینده نزدیک است. چنین فرایندی، پیشرفت‌های فنی راه دستیابی به منابع نوین انرژی را گشوده است. بخش قابل توجهی از رقابت‌های منطقه‌ای ایران و عربستان در فضای جنگ نیابتی بر اساس مدیریت منابع در اقتصاد سیاسی منازعه تفسیر می‌شود (Haykel, 2015a: 12).

در فروردین ۱۳۹۱ که باراک اوباما رئیس‌جمهور آمریکا، قانون تحریم خرید نفت از ایران را به امضا رساند، وزیر نفت عربستان در دیدارهای مختلف با مقامات اقتصادی کشورهای مصرف‌کننده از آمادگی‌اش برای جبران کمبود صادرات نفت ایران خبر داد و به مشتریان ایران اطمینان داد که در صورت این تحریم‌ها، نگرانی برای کمبود نفت در بازار وجود ندارد و نفت خود را ارزان‌تر به مشتریان ایران می‌دهد. از جمله این کشورها، چین، هند، کره جنوبی و چین هستند.

نتیجه‌گیری

همان‌گونه که در چهارچوب نظری تحقیق نشان داده شد، اصولاً همواره ارتباط نزدیک و تعاملی میان سیاست خارجی و سیاست نفتی در کشورهای صادرکننده نفت وجود داشته است و این تحقیق نیز نشان داد که احساس ضعف عربستان در رقابت منطقه‌ای با ایران سبب شده است که حکام عربستان صحنه تقابل با ایران را به عرصه‌ای که در آن توانمندی بیشتری احساس کرده‌اند؛ یعنی عرصه نفت نیز ببرند. از همین‌جا تقابل سیاست نفتی دو کشور رقم خورده و پیش رفته است.

با این همه باید خاطر نشان کرد که این‌گونه سرایت عوامل سیاسی به سیاست نفتی

همواره متضمن هزینه‌ها و خسارت‌های فراوان برای هردو کشور خواهد بود. چنان‌که هردو کشور به شدت درآمدهای نفتی خود را از دست دادند و عربستان در خلال دو سال گذشته، کسری بودجه عظیمی را تجربه کرده و ناچار شده است در بسیاری از طرح‌ها و برنامه‌های هزینه‌ای خود تجدیدنظر نماید؛ بنابراین این موضوع قابل تصور است که زمامداران ریاض از خسارات و هزینه‌های انتقال تقابل منطقه‌ای خود به عرصه سیاست نفتی آگاه بوده‌اند، اما با وجود این، به چنین سیاستی متوسل شده‌اند.

این سرایت سیاست از مسائل خارجی به مسائل انرژی تنها زمانی قابل تصور است که کشوری که در رقابت‌های منطقه‌ای احساس تهدید می‌کند از ظرفیت نفتی بالایی برخوردار باشد که عربستان این‌گونه است؛ زیرا که عربستان از نظر ظرفیت تولید و صادرات و همچنین تأثیرگذاری بر اوپک، توانایی‌اش بسیار بالاتر از ایران است. عربستان در زمینه تولید نفت در رتبه نخست در بین کشورهای عضو اوپک قرار دارد و همیشه سیاست افزایش تولید را در دستور کار خود قرار می‌دهد. این کشور همچنین در زمان تحریم نفتی ایران به کشورهای اروپایی اطمینان داد که جبران کسری تولید ایران را خواهد کرد و در آن زمان به خوبی جای خالی ایران را پر کرد و در این زمینه کمبودی احساس نشد.

پس در نتیجه می‌توان گفت که سرایت مسائل سیاسی به نفت برای عربستان که ظرفیت نفتی بالاتری دارد و از رقابت‌های منطقه‌ای احساس تهدید می‌کند تا حدودی منطقی به نظر می‌رسد و شاید به‌عنوان تنها ابزاری باشد که زمامداران ریاض احساس کنند از طریق آن، قادرند پیشروی ایران در مسائل و رقابت‌های منطقه‌ای را تعدیل کنند. بر این اساس می‌توان به مسئولان سیاست خارجی کشور پیشنهاد کرد که در تنظیم روابط خارجی و سیاست منطقه‌ای کشور در ارتباط با عربستان، همواره احتمال توسل عربستان به جنگ نفتی علیه کشور را در نظر داشته باشند. یکی از راهکارهای جلوگیری از چنین جنگی که بدون تردید ایران در آن‌ها متضرر خواهد شد این است که دو کشور اختلافات خود را در سطح منطقه مدیریت کنند و همواره بکوشند از شدت خصومت و رقابت میان یکدیگر جلوگیری نمایند.

برقراری خطوط تماس میان مقام‌های دو کشور که از طریق آن، اختلافات و مسائل

پیش رو قابل گفتگو و مذاکره شود و یکی از راهکارهای کاهش تنش میان تهران - ریاض است. اساساً رویکرد کلان سیاست خارجی دو کشور با یکدیگر تعارض‌های جدی دارد، اما با این وجود، این امکان نیز فراهم است که هر دو کشور خط قرمزهایی را در مسائل منطقه‌ای برای یکدیگر تعریف و مشخص سازند تا از این طریق مدت و دامنه تنش میان دو کشور قابل مدیریت باشد و به این واسطه از سرایت تنش به سیاست نفتی جلوگیری به عمل آید. حتی توافق دو کشور برای عدم سرایت تقابل سیاست خارجی به سیاست نفتی و به رسمیت شناختن منافع متقابل در عرصه نفت می‌تواند یکی از راهکارها باشد، اما باید توجه داشت که به تضمین‌های ریاض در این باره در صورتی که تهدیدهای جدی از جانب ایران را احساس کند، نمی‌توان اتکا کرد و تجربه گذشته نیز حاکی از همین واقعیت است.

فهرست منابع و مأخذ

الف. منابع فارسی

- اسکات کوپر، اندرو، (۱۳۹۳)، خواب نفتی عربستان برای دولت روحانی، ترجمه طلا تسلیمی، منبع فارن پالیسی، دی‌ماه ۹۳.
- برزگر، کیهان، (۱۳۸۰)، «تنش‌زدایی در سیاست خارجی خاتمی و آثار آن بر بهبود روابط ایران و عربستان سعودی»، سیاست خارجی خاتمی از منظر صاحب‌نظران، به اهتمام مهدی زاکریان، تهران: همشهری، جلد ۲.
- بیک‌علی‌زاده، بهروز، (۱۳۹۳)، آینده تولید نفت در عربستان سعودی و تأثیرات ژئوپلیتیکی آن، ماهنامه علمی - ترویجی اکتشاف و تولید نفت و گاز، شماره ۱۱۹ (امور اوپک و مجامع انرژی)، دی‌ماه ۹۳.
- پیشنهاد عربستان به ایران برای اجرای طرح فریز نفتی، (۱۳۹۴)، سایت خوان روزنامه دنیای اقتصاد. <http://www.donya-e-eqtasad.com/sitekhan/1104724>
- تافوری، دیوید، (۱۳۹۴)، مقام سابق آمریکایی: «مسئله یمن بر روند مذاکرات هسته‌ای ایران تأثیر می‌گذارد»، خبرگزاری صداوسیما، ۸ / ۱ / ۱۳۹۴.
- تنه‌داخت، سلیمان، (۱۳۹۵)، جنگ نفتی عربستان علیه ایران، سحری که به ساحر بازگشت، در سایت: <http://www.fna.ir/nyualy>
- جعفری‌نژاد، مسعود؛ مدآبادی، فیدافه، (۱۳۹۳)، تأثیر برنامه هسته‌ای ایران بر نظام امنیت منطقه‌ای خاورمیانه (خلیج فارس) با تأکید بر نظریه رئالیسم تهاجمی، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی، شماره بیستم، پاییز ۹۳.
- حسنتاش، غلامحسین، (۱۳۹۲)، روابط نفتی ایران و عربستان؛ رقابت یا رفاقت، وبلاگ سید غلامحسین حسنتاش، مردادماه ۹۲.
- خطیبی، محمدعلی، (۱۳۹۴)، کارشکنی عربستانی‌ها برای ضرر به ایران، خبرگزاری شبستان، اسفند ۹۴.
- دادگر، حسن، (۱۳۸۵)، اقتصاد ایران، تهران: کانون اندیشه جوان.
- رضانی، امیر، (۱۳۹۲)، نقش سیاست‌های نفتی ایران و عربستان در روابط دو کشور ۲۰۱۰ - ۲۰۰۰، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات گروه روابط بین‌الملل، تهران: ایران.
- صادرات نفت ایران چقدر کم می‌شود، (۱۳۹۷)، سایت روزنامه دنیای اقتصاد، <https://www.donya-e-eqtasad.com/fa/tiny/news-3381674>

- ضرغامی، حامد، خبرنامه دیپلماسی ایرانی <http://www.irdiplomacy.ir/fa/page/1945754>
- عالم، امل، (۲۰۱۵)، الصراع السعودی - الایرانی علی الیمن وجهه نظر یمینه. مرکز الجزیره للدراسات.
- کدخدازاده، احمد، (۱۳۹۱)، کلیاتی در خصوص بررسی سیاست‌های نفتی عربستان و بررسی مواضع آن کشور در قبال تحریم صادرات نفت ایران، فصلنامه مطالعات انرژی، زمستان ۹۱.
- کرمی، کامران، (۱۳۹۱)، نقش عربستان در سیاست تحریم نفتی ایران، مرکز بین‌المللی مطالعات صلح، تیرماه ۹۱.
- لباف عطیه، (۱۳۹۵)، تخفیف نفت عربستان، شکست سیاست نفتی و دشمنی با ایران، سایت نیوز. www.rastannews.ir
- لیکنز، گری، (۱۳۹۵)، پیوند اوپک با تحولات خاورمیانه، در سایت: www.albertaoilmagazine.com
- متقی، ابراهیم؛ رضانی، امیر و فاطمه، نکولعل آزاد، (۱۳۹۵)، نقش منابع و اقتصاد انرژی در گسترش رقابت‌های منطقه‌ای ایران و عربستان، فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره نخست شماره بیستم.
- مشایخی، عارفه، (۱۳۹۴)، فریز نفتی؛ شکست مقابله با بازگشت ایران، در سایت روزنامه دنیای اقتصاد: donya-e- eqtesad.com/news/1018607/ixzz41j91512d/ 1394/12/05
- موسوی، امیر، (۱۳۹۳)، بازی با نفت آخرین برگ عربستان علیه ایران است، سایت خبری فرارو، دی‌ماه ۹۳.
- موسوی، سید نظام‌الدین، (۱۳۹۱)، تأثیر انقلاب‌های عربی بر رقابت منطقه‌ای ایران و عربستان، سایت فارس نیوز.
- میتجل، تیموزی، (۱۳۹۲)، دموکراسی هیدروکربنی، معادله نفت و دموکراسی در کشورهای نفت‌خیز، ترجمه سمیه نوظهوری، <http://www.naftema.com/m?newsid=46155>
- نجات، سید علی؛ موسوی، سیده راضیه و صارمی، محمدرضا، (۱۳۹۵)، راهبرد عربستان سعودی و جمهوری اسلامی ایران در قبال بحران یمن، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، سال ۹، شماره ۳۳.
- واعظی، محمود، (۱۳۸۹)، دیپلماسی انرژی ایران و قدرت‌های بزرگ در خلیج فارس، مجموعه مقالات نفت و سیاست خارجی، پژوهشکده تحقیقات راهبردی مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- وخشوری، سارا، (۱۳۹۵)، در افق تغییر وزیر نفت عربستان، در چهارچوب اصلاحات محمد بن سلمان، مجله تخصصی دیپلماسی انرژی، شماره ششم، تیرماه ۹۵.

ب. منابع انگلیسی

- Al – tamini, Naser. (2012). China-Saudi Arabia Relations, university of Durham, June. From:[https://www.dur.ac.uk/resources/alsabah/china-saudi Arabia Relations.pdf](https://www.dur.ac.uk/resources/alsabah/china-saudi%20Arabia%20Relations.pdf), (accessed in august 19, 2013)
- Baylis, John and Steve Smith,eds. (2009). The Globalization of World Politics, Oxford: Oxford University Press
- Elman, colin and Mirian Elman, eds. Progress in International Relations Theory: Appraising the Field. Cambridge: MA: MIT Press.
- Heykel,B (2015b).isis:A Primer. Princeton: PrincetonUniversity Press
- Heykel,B. (2015a). What ISIS really wants?. The Atlantic, 27 Feb
- Lobell, Steven and others. (2009). Neoclassical Realism, The State and Foreign Policy, Cambridg: Camberidg University Press.
- Nakamura, satoru.(2013). Saudi Arabian Diplomacy during the Syrian humanitarian crisis, IDE – JETRO: Institute of Developing Economics. From: [http://www.ide.go.jp/Japanese/publish/Download/seisaku/pdf/201307 – mide – 13. pdf](http://www.ide.go.jp/Japanese/publish/Download/seisaku/pdf/201307-mide-13.pdf) – (accessed on Desember 8, 2013)
- Orban, Anita, Power, Energy and the New Russian Imperialism, US: Praeger Security International.
- Zakaria, Fareed (1998). From Wealth to Power: the Unusual Origins of America World role. Princeton University Press.

